

پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه

شماره سوم، پاییز و زمستان ۱۳۸۸: ۲۵-۵۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۰۷/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۸/۰۲/۱۹

بیگانگی اجتماعی جوانان

(مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان)

محمد علی زکی *

چکیده

بررسی و تبیین بیگانگی یکی از دل مشغولی‌های مهم و شایع جامعه‌شناسی جوانان در ایران معاصر است. جامعه‌شناسی سعی بر آن دارد که بیگانگی را از جنبه‌های مختلف بررسی نموده تا بدین وسیله تحلیلی علمی ارائه گردد این جنبه‌ها شامل مباحث زیر است: ماهیت و عوامل شکل‌دهنده بیگانگی، آثار و کارکردهای مختلف بیگانگی، الگوهای اجتماعی بیگانگی (برحسب جنس، سن، دین و غیره)، بیگانگی در گروه‌های اجتماعی خاص (جوانان، معلمان و غیره) و اشکال و وجوه بیگانگی (سازمانی، فرهنگی و غیره).

سنجش و اندازه‌گیری بیگانگی جوانان یکی از گرایش‌های پژوهشی در زمینه بیگانگی است. پژوهشگران از ابزارهای متنوع و مختلفی برای سنجش ابعاد گوناگون بیگانگی استفاده نموده‌اند مدل نظری مدی، کوباسا و هوور (۱۹۷۹) برای ارزیابی و سنجش بیگانگی به دو بخش همزمان بیگانگی توجه داشته است: الف) اشکال (فرم‌های) چهارگانه بیگانگی شامل احساس بی‌قدرتی، بی‌ریشگی، پوچ‌گرایی و بی‌مخاطرگی. ب) موضوعات پنجگانه بیگانگی شامل بیگانگی از خود، کار، خانواده، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی. جامعیت مدل نظری مدی و همکاران انگیزه انجام پژوهش پیمایشی حاضر است که سعی در آزمون و اعتباریابی پرسشنامه بیگانگی برای نخستین بار در ایران دارد که داده‌های آن از بین ۳۰۰ جوان جمع‌آوری شده است. داده‌های پژوهش پس از گردآوری با استفاده از روش‌های آمار توصیفی (یک متغیره و دو متغیره)، آمار استنباطی (آماره آزمون تی، ضرایب همبستگی، تحلیل عاملی) مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

واژگان کلیدی: بیگانگی، جوانان، اعتباریابی، تحقیق پیمایشی.

مقدمه

حصول به اطلاعاتی تجربی درباب نگرش‌ها، رفتارها، باورها، انگیزش‌ها، انتظارات و نیازهای جامعه دانشجوی نه‌تنها برنامه‌ریزان را در طراحی برنامه‌های معطوف به توسعه آموزش عالی یاری می‌دهد، بلکه کاستی‌ها، مشکلات، نارسائی‌ها و برخی جنبه‌ها، ابعاد و وجود موارد و آثار آسیب‌شناختی محیط‌های آموزشی را در سطح دانشجویان تعریف و تعیین می‌کند و به برنامه‌ریزی‌هایی برای رفع مشکلات و کاستن از مسائل و تنگناها و از میان برداشتن موانع توسعه به منظور گرداندن برنامه‌های توسعه پایدار آموزش عالی منجر می‌شود. محیط اجتماعی دانشگاه، چون هر محیط آموزشی، به مثابه نهادی اجتماعی و عاملی اجتماعی‌کننده نقش عمده‌ای را در انتقال فرهنگ، درونی‌کردن هنجارها و ارزش‌های اجتماعی، تکوین شخصیت، توسعه مفهوم من اجتماعی، انتقال ارزشها و مهارت‌ها و آموزش فنون و علوم ایفاء می‌کند.

بخشی از تلاش جامعه‌شناسان مصروف بررسی و تبیین ناسازگاری‌های حاکم بر روابط فرد و جامعه، کارکردهای گسل نهادها و سازمان‌های اجتماعی و عدم درونی‌شدن قواعد اخلاقی است. یکی از آثار و نتایج مهم و بارز جامعه‌پذیری ناموفق در سطح افراد و اجتماعی‌کردن نامطلوب و غیرکارآمد در سطح نهاد‌های اجتماعی‌کننده، بیگانگی اجتماعی و فرهنگی است که مترادف با بی‌هنجاری به کاررفته که مبین انفصال فرد از نظام باورها، ارزشها، هنجارها و الگوهای عمل، اهداف فرهنگی و انتظارات جمعی است.

بیگانگی به مفهوم عام آن، که برخی از جامعه‌شناسان و روان‌شناسان اجتماعی از آن به‌گونه‌ای گسترده برای تبیین برخی از اشکال کنش‌ها و واکنش‌ها به جریانات اجتماعی و واقعیت‌های پیرامونی، فشارهای روانی، تحمیلات بیرونی و نیز توضیح انفصال فرد از نظام ارزشها، باورها، هنجارها، اهداف فرهنگی استفاده کرده‌اند، از مفاهیمی است که در تاریخ تفکر اجتماعی قدمت و سابقه طولانی دارد. هر چند مفهوم بیگانگی به‌ویژه به‌گونه‌ای که به اشتغال مربوط می‌شود، نخستین بار به‌صورت نظام یافته در آثار مارکس مطرح شد، فقط از خودبیگانگی و آثار اجتماعی آن را توصیف کرد بدون آنکه سعی کند با استفاده از روش علمی به آن اعتبار دهد. در عوض مطالعه رابرت بلونر در مورد

_____ بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) ۲۷/۱
از خودبیگانگی ایالات متحده آمریکا یک کوشش کلاسیک برای اثبات علمی و سنجش
از خودبیگانگی است. کاربرد مفهوم بیگانگی در مباحث جامعه‌شناسی و روان‌شناسی به
نحو بارزی متنوع و متفاوت است و از مطالعه تضادها و کشمکش‌ها و بدبختی‌ها در
زندگی شخصی تا تحلیل ناآرامیهای دانشجویی و طغیان نسل جوان و از دیکتاتوری
کارگری تا ظهور فاشیسم و نازیسم گسترده است.

اریک فروم در تعریف از خودبیگانگی می‌گوید: حالتی است که فرد از خود بیگانه خود
را مرکز عالم به حساب نمی‌آورد و خالق اعمال خود نیست، بلکه اعمال و نتایج آن حاکم
بر وی هستند، از آن اطاعت می‌کند. و یا حتی آن را ستایش می‌کند. مارکس مفهوم از
خودبیگانگی را از هگل و فوئر باخ گرفت و آن را به معنای وسیع‌تری به کار برد. بنا بر
تعریف وی، بیگانگی حالت کسی است که بر اثر اوضاع و احوال گرداگردش، اوضاع
مذهبی، اقتصادی، سیاسی دیگر از خود اختیاری ندارد. تا جایی که با او چون شیء
رفتار می‌شود و او برده‌اشیاء خاصه برده‌پول می‌گردد و در حقیقت بودن را فدای
داشتن می‌کند. در سیستم مارکس از خودبیگانگی به دو وضعیتی گفته می‌شود که در
آن کردار شخص به صورت قدرت بیگانه‌ای در می‌آید و به جای اینکه در اداره او باشد
مخالف و مسلط بر وی می‌شود.

بیگانگی نزد دورکیم، که مترادف با کلمه آنومی دانسته شده است، به نوعی حالت
فکری اطلاق می‌شود که فرد در آن به واسطه اختلالات اجتماعی، به نوعی سردرگمی
در انتخاب هنجارها، تبعیت از قواعد رفتاری و احساس فتور و پوچی دچار است. دورکیم
به انتقال جامعه از حالت انسجام مکانیکی به انسجام اورگانیکی اشاره دارد و آثار آن را
به صورت بروز بی‌هنجاری و اختلال و نابسامانی در روابط، قواعد و ارزشهای اجتماعی
بررسی می‌کند.

بیگانگی در تعریفی وسیع و عام به معنای احساس انفصال، جدائی و عدم پیوند
ذهنی (شناختی) و عینی (کنشی) بین فرد و محیط پیرامون او (یعنی جامعه، انسان‌های
دیگر، ساختارهای اجتماعی و خود) است (میچل، ۱۹۸۸، کنیسون، ۱۹۸۵ و محسنی
تبریزی، ۱۳۷۰) (به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۳۲). بیگانگی یکی از عوامل

تأثیرگذار بر فرآیندهای مشارکت اجتماعی و فرهنگی بوده که به مثابه مانعی در راه مشارکت فرهنگی، اجتماعی و سیاسی تلقی می‌شود. صاحب نظرانی نظیر نترلر (۱۹۷۳)، دال (۱۹۷۶)، سیمن (۱۹۵۹)، انیمن (۱۹۷۶)، اسرول (۱۹۸۳)، فیوئر (۱۹۷۴)، لین (۱۹۷۹)، دین (۱۹۶۸)، اسکیر (۱۹۹۱) و غیره با تکیه بر مفهوم بیگانگی فکری و آنومی و احساس بی‌هنجاری کوشیده‌اند تا چگونگی انفعال فرهنگی (عدم مشارکت) و انفصال فرد از نظام باورها، ارزش‌ها، هنجارها، انتظارات جمعی، اهداف فرهنگی، الگوهای رفتار و نظام جمعی را توضیح دهند (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۳۴).

در نظر میچل موضوعات بیگانگی متعددند: بیگانگی از خود، بیگانگی از دیگران، بیگانگی از جامعه و نهادهای وابسته اجتماعی همچون سیاست، خانواده، دین و غیره. از طرفی دیگر، اشکال بیگانگی نیز متعدد و متنوع است: احساس ناتوانی و فتور، احساس بی‌معنایی و پوچی، احساس تنهایی و انزوا، احساس تنفر و بی‌زاری، احساس بی‌هنجاری (همان: ۱۳۲). در چند اصل و زمینه نظر جامعه‌شناسان در باب بیگانگی مشترک است (همان: ۱۲۶).

۱. اهالی حوزه‌های جامعه‌شناسی ریشه‌های بیگانگی و علل آن را نه در درون فرد بلکه در بیرون او و در واقعیت‌های اجتماعی، نهادها، ساختارها، روابط اجتماعی و نظائر آن جستجو می‌کنند.
 ۲. نقطه عزیمت آنها از جامعه و ساخت اجتماعی است.
 ۳. احساسات افراد را در قبال جامعه می‌سنجند.
 ۴. واحد تحلیل آنها جمع است نه فرد.
 ۵. بیگانگی را امری تحمیلی و مسئله‌ای ناخواسته به شمار می‌آورند که از سوی نظام اجتماعی بر فرد تحمیل گردیده است.
- گرایش‌های پژوهشی جامعه‌شناختی در تحلیل و تبیین بیگانگی در چند حوزه مشخص می‌شود (محمدعلی زکی، ۱۳۸۵).
۱. ماهیت بیگانگی چگونه است؟ وضعیت کنونی بیگانگی چگونه است؟ انواع گوناگون بیگانگی کدامند؟

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۲۹

۲. چه عواملی موجب شکل‌گیری بیگانگی می‌شوند؟ تأثیر عوامل گوناگون در شکل‌گیری بیگانگی چه مقدار است؟
۳. آثار و کارکردهای مختلف بیگانگی در سطوح متعدد زندگی اجتماعی چیست؟ راههای ساختاری کاهش موجبات بیگانگی چیست؟
۴. الگوهای اجتماعی بیگانگی بر حسب جنس، سن، دین، نژاد، تحصیلات، وضع تأهل، اشتغال، قومیت، وضعیت طبقاتی، حوزه‌های اجتماعی شهری و روستائی و گروههای اجتماعی خاص (جوانان، دانش‌آموزان، معلمان و غیره) کدامند؟
۵. اشکال و وجوه بیگانگی (سازمانی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و غیره) چگونه است؟

هدف اصلی پژوهش آزمون و اعتباریابی پرسشنامه بیگانگی اجتماعی جوانان است. اهداف فرعی مقاله عبارتند از:

۱. میزان بیگانگی جوانان چقدر است؟
۲. الگوی اجتماعی بیگانگی جوانان بر حسب جنس چگونه است؟
۳. موضوعات پنجگانه بیگانگی جوانان (برای نمونه در زمینه‌های بیگانگی از خود، کار و غیره) چگونه است؟
۴. اشکال چهارگانه بیگانگی جوانان (برای مثال احساس بی‌هنجاری، پوچ‌گرایی و غیره) چگونه است؟
۵. وضعیت موضوعات پنجگانه بیگانگی بر اساس هر کدام از اشکال چهارگانه بیگانگی چگونه است؟

۶. آیا ابزار بیگانگی مدی و همکاران با فرهنگ ایرانی تناسب دارد؟
در سال‌های اخیر برخی از علمای اجتماعی کوشیده‌اند ابعاد از خودبیگانگی را تعریف نموده، معیارهایی بنا نهند تا بتوان درجه از خودبیگانگی را با آمار اندازه گرفت. مثلاً کلوین سیمن بیگانگی اجتماعی را از نظر فرد در رابطه با اجتماع، یعنی از دید روان‌شناسی اجتماعی بررسی کرده در این باره پنج متغیر زیر را از هم تمیز می‌دهد (محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۴).

۱. **ناتوانی و بی‌قدرتی:** به حالت فردی گفته می‌شود که احساس بی‌قدرتی و بی‌اختیاری نموده و قادر به تحت تأثیر قرار دادن محیط اجتماعی خود نباشد.
۲. **پوچی:** فرد در چنین حالتی در باورها و عقاید خود دچار ابهام و تردید شده، نمی‌داند به چه چیزی باید اعتقاد داشته باشد. به عبارت دیگر انتظار چندانی از رضایت‌بخش بودن پیش‌بینی‌های رفتاری خود در آینده ندارد.
۳. **بی‌معیاری:** حالتی از خودبیگانگی است که فرد احساس می‌کند برای رسیدن به هدف‌های ارزنده خود نیاز به وسایل نامشروع دارد؛ یا کنش‌های او را به حوزه‌های هدف نزدیک می‌سازد که مورد تأیید جامعه نیست.
۴. **انزوای:** هنگامی است که شخص احساس می‌کند با ارزش‌ها و معیارهای جامعه بیگانه شده است. در چنین حالتی فرد خود را با آنچه از نظر جامعه ارزشمند و دارای اعتبار است هم عقیده و همسو نمی‌بیند.
۵. **جدایی از خویشتن:** سیمن بیگانگی به معنای جدایی از خویشتن را با مفهوم «هدایت شده به دست دیگری» یکسان می‌شمارد و میزان و درجه آن رفتار را بر اساس پاداش‌های مورد انتظار آتی می‌بیند. در این صورت است که شخصی از خویشتن خویش جدا می‌شود برای آنکه او از هیچ چیز به‌خاطر خود آن چیز لذت نمی‌برد. به عبارت دیگر این نوع بیگانگی بیانگر حالت فردی است که کار می‌کند بدون آنکه به ارزش واقعی کار خود واقف گردد. در چنین وضعیتی فرد فرصت لازم را برای ابداع و تولید محصولی که او را راضی و خرسند سازد، ندارد و به نوعی احساس انزجار از روابط اجتماعی تولید گرفتار است.

رویکردهای نظری بیگانگی

جامعه‌شناسان عمدتاً متوجه تبیین و تشریح چگونگی مخدوش شدن روابط اجتماعی و حالات و خصوصیات منصفانه و پرخاشگرانه فرد در قبال جامعه و ساخت اجتماعی هستند. از این رو تأکید آنان بر بیگانگی و آنومی اجتماعی است که در آن احساسات فرد نسبت به واقعیت اجتماعی سنجیده می‌شود. جامعه‌شناسان همچنین بر نقش عوامل بیرونی و واقعیات اجتماعی در بروز بیگانگی تأکید دارند و از این‌رو آن را

_____ بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) ۳۱/

مسئله‌ای تحمیلی در نظر می‌گیرند. آنچه بدیهی است اشتراک نظر کامل آنان در نقش عوامل اجتماعی و بیرونی در بروز بیگانگی است. حتی آن دسته از جامعه‌شناسانی که در تبیین‌های خود به انگیزه‌های فردی نیز توجه دارند. در تحلیل‌های خود بیشتر به انگیزه‌هایی که از ارزش‌های نظام اجتماعی سرچشمه گرفته‌اند تأکید می‌ورزند.

روان‌شناسان از سوی دیگر بیگانگی را در سطح فردی مطالعه می‌کنند و عمدتاً متوجه آنومی روانی هستند. در آنومی روانی معمولاً احساسات فرد در قبال خود سنجیده می‌شود. از این‌رو از خودبیگانگی و عوامل بیگانه موضوع بحث روان‌شناسان است. آنان با فرض عللی روان‌شناختی بر بیگانگی و روابط آن بر شخصیت، مزاج یا نیروهای سرکش درونی، سرکوب‌های روانی و سرکوب‌های غرایز درونی انسان توسط جامعه را مطرح ساخته و به چگونگی پرورش و رشد شخصیت، عامل رفتار، گرایش‌ها و خلیات پدر و مادر، چگونگی اجتماعی شدن انگیزه‌ها، سرخوردگی‌های درون کودکی، تجارب نخستین دوران طفولیت، زمینه‌های طبقاتی و چگونگی بازبینی و کنترل اجتماعی در تبیین بیگانگی روانی توجه می‌کنند.

به طور کلی، براساس حیطة تفحص، تتبع حوزه مطالعاتی، نظریه‌های بیگانگی را به‌طور عام می‌توان در دو قلمرو نظری جامعه‌شناسی و روان‌شناسی قرار داد. در قلمرو جامعه‌شناسی، آراء و نظریات جامعه‌شناسان در باب بیگانگی عمدتاً در دو نحله فکری و حوزه نظری یعنی نظریه نظم اجتماعی و نظریه انتقادی متمرکز است. در قلمرو روان‌شناسی نیز دو رویکرد روان‌پویائی و نظریه‌ساز و کار دفاعی مدنظر است (محسنی تبریزی، ۱۳۷۰: ۵۰-۴۲ و محسنی تبریزی، ۱۳۸۱: ۱۴۲-۱۳۵).

نظریه نظم اجتماعی جامعه را دستگاهی متشکل از اجزای هماهنگ با ارزش‌های هم‌رنگ می‌داند که لاینقطع محدوده خود را حفظ و نگهداری و در وفاق و تعادل و توازن زندگی می‌کند. هرگونه تزلزلی در سلطه جامعه و اقتدار آمرانه آن سبب سرگشتگی و تباهی انسان می‌شود. مفهوم اساسی در نظریه نظم اجتماعی نظام اجتماعی و از هم‌گسیختگی نظم آن است که در نزد نظریه‌پردازانی چون دورکیم بی‌هنجاری یا آنومی خوانده می‌شود. بی‌هنجاری به مفهوم پریشانی و سرگشتگی آدمی است در برابر قوانین،

قواعد و هنجارهای اجتماعی. بی‌هنجاری هم چنین وضعیت اجتماعی ویژه‌ای است که در آن هنجارها و معیارهای اجتماعی دچار پریشانی شوند و یا آنکه با یکدیگر ناهم‌ساز باشند و فرد برای هماهنگ شدن با آنها دچار سردرگمی و سرگشتگی شود. از این‌رو کلیه اختلالات، نابسامانی‌ها، کژرفتاری‌ها و آسیب‌های اجتماعی پیامد بی‌هنجاری، بیگانگی و بازبینی و نظارت ناکافی است. از سوی دیگر، نظریه انتقاد اجتماعی، نظام اجتماعی را مجموعه‌ای از تضادها و کشاکش‌های دائمی میان گروه‌ها، قشرها و طبقاتی می‌داند که دارای منافع، اهداف و آرمان‌های متفاوتی‌اند. نظریه انتقادی باگرایشی که به اصالت انسان دارد و انسان را خودآفرین، تاریخ‌آفرین و جامعه‌آفرین می‌داند، سرشت آدمی را با کار و آفرینندگی انسان مشخص می‌کند. اما این برداشت از سرشت آدمی را با توجه به نظریه الیناسیون و منطق جدلی باید درک و فهم نمود. از مقایسه دو نظریه نظم اجتماعی و انتقاد اجتماعی می‌توان استنباط کرد که ماهیت مسائل اجتماعی در نظریه نظم اجتماعی (آنومی) است، حال آنکه در نظریه انتقاد اجتماعی بیگانگی انسان از فرآورده‌های فرهنگی و اجتماعی در نظر می‌آید. بیگانگی از عملکرد کل نظام اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و علل اصلی را باید در ناهم‌سازي کارکرد نظام اجتماعی با نیازهای انسانی جستجو کرد (همان).

در حوزه روان‌کاوی نیز از خودبیگانگی به‌عنوان گونه‌ای بیماری و مرض روانی در نظر گرفته شده است که از اختلالات و نابسامانی‌ها در یکی از لایه‌های سه‌گانه شخصیت فرد (نهاد-من-برتر) یا روابط آنها با یکدیگر پدید می‌آیند. دسته اول روان‌کاوان که پیرو نظریه روان‌پویائی هستند در تبیین بیگانگی هم به انگیزه رفتار و هم به کنترل و بازبینی اجتماع عنایت دارند. این نظریه‌پردازان (برای نمونه فروم، جان دالارد، فردینبرگ، اریکسون و گودمن) به تجربه فرد خصوصاً تجارب دوران کودکی توجه خاص داشته‌اند و معتقدند تبیین مسئله بیگانگی به چگونگی تعیین نواقص و معایبی که در ساخت بازبینی اجتماعی وجود دارد و نیز تشخیص این نواقص از طریق بررسی سرگذشت زندگی فرد مربوط می‌گردد. در مقابل دسته دوم روان‌کاوان، بیگانگی را در ارتباط با نظریه سازوکار دفاعی تبیین کرده‌اند. نظریه‌پردازانی هم‌چون فیوشر و کنیستون بیگانگی را معلول عدم تجانس و ناسازگاری بین تمنیات و آرزوهای درونی فرد و

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۳۳
شخصیت هستند. این ناسازگاری موجب پیدایش احساس گناه، دلهره، اضطراب و نگرانی در فرد می‌شود (همان).

بررسی و مرور تحقیقات انجام شده داخلی و خارجی معرف آن است که اندیشمندان و محققان از جنبه‌های متعدد به بررسی و تحلیل بیگانگی پرداخته‌اند. برخی از آنها به طراحی ابزارهای خودساخته تأکید داشته‌اند و بر آن اساس به تبیین بیگانگی در فرهنگ جامعه خود پرداخته‌اند. برخی دیگر با استفاده از ابزارهای استاندارد و معتبر سعی به بومی نمودن پرسشنامه‌های معتبر بر اساس فرهنگ ایرانی توجه نموده‌اند. در زمینه استفاده از پرسشنامه‌های استاندارد می‌توان دریافت که در ایران از ابزار آزمون بیگانگی مدی و همکاران استفاده نشده است. از آنجائی که ابزار مورد نظر دارای ابعاد اهمیتی می‌باشد، مقاله حاضر سعی بر آزمون و اعتباریابی آن در ایران با تکیه بر گروه اجتماعی دانشجویان خواهد داشت. آزمون بیگانگی مورد استفاده تحقیق حاضر مربوط به سه نویسنده "مدی، کوباسا و هوور (۱۹۷۹) است. آزمون بیگانگی مدی و همکاران دارای جامعیت مشخصی است که به جنبه‌های کاربردی آن اشاره می‌شود:

۱. عموم ابزارهای موجود به موضوعی مشخص در زمینه بیگانگی پرداخته‌اند. برای مثال موضوعات بیگانگی (بیگانگی از خود) و یا اشکال آن (احساس بیزاری). ابزار مدی و همکاران ابزاری منحصر به فرد می‌باشد که به‌طور همزمان به دو جنبه مهم و جداگانه بیگانگی می‌پردازد: الف) قلمروها و موضوعات پنجگانه بیگانگی، ب) اشکال و فرم‌های چهارگانه بیگانگی.
۲. ابزار مدی و همکاران از نظر کاربردی از چنان پویائی و جامعیت مشخصی برخوردار است که در محیط‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی از آن می‌توان بهره جست. چرا که ابزار مذکور به جنبه مهم موضوعات و هم‌چنین اشکال بیگانگی توجه داشته است.
۳. تحلیل سطری و ستونی می‌تواند چگونگی موضوعات بیگانگی را بر حسب اشکال بیگانگی تحلیل نماید و هم‌چنین بالعکس.

۴. براساس ابزار مذکور به خوبی و به روشنی می‌توان دریافت که چالش‌های بیگانگی در کدام‌یک از موضوعات پنجگانه بیگانگی و یا اشکال چهارگانه بیگانگی هستند.

ابزار بیگانگی مدی و همکاران دارای ۶۰ گویه بر اساس طیف ۷ گزینده‌ای لیکرت تنظیم شده که هر کدام از پنج موضوع بیگانگی (بیگانگی از خود، از کار، از خانواده، از روابط اجتماعی و از نهادهای اجتماعی) به طور جداگانه دارای ۱۲ گویه می‌باشند. در گویه‌های مربوط به هر کدام از موضوعات بیگانگی، به سنجش چهار شکل و فرم بیگانگی نیز توجه شده است (هر شکل بیگانگی دارای ۱۵ گویه است): احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌ریشه‌گی، احساس پوچ‌گرایی و احساس بی‌مخاطرگی (جدول شماره ۱). اگرچه ابزار مذکور دارای سابقه طولانی است، ولیکن تحقیقات جدیدی از آن استفاده نموده‌اند (برای نمونه مک کاتچیو، ۲۰۰۰: ۳۹، گبهارث و همکاران، ۲۰۰۱: ۵۸۲، جادکینز و همکاران، ۲۰۰۵: ۳۱۸، با او و همکاران، ۲۰۰۶: ۹۹۲ و نیکول، ۲۰۰۷: ۸۹۵). ماتریس بیگانگی مدی و همکاران در جدول شماره ۱ نمایش داده شده است.

جدول شماره ۱. ماتریس بیگانگی مدی و همکاران (۱۹۷۹)

بیگانگی از خود	بیگانگی از کار	بیگانگی از خانواده	بیگانگی از روابط اجتماعی	بیگانگی از نهادهای اجتماعی

سابقه و تاریخچه تحقیق

تحقیقات متعدد و متنوعی در زمینه بیگانگی در ایران برای نمونه بیگانگی از کار (توسلی و قدیمی، ۱۳۸۰: ۹۲ و ادیبی سده و موذنی، ۱۳۸۳: ۴۰)، از خودبیگانگی (کلدی

_____ بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۳۵
وصفی پور، ۱۳۸۱: ۱۵۲)، بیگانگی سیاسی (رجب زاده و کوثری، ۱۳۸۲: ۳۲۵ و ایمان و
قائدی، ۱۳۸۳: ۸۵)، بیگانگی سازمانی (ایمان و اثنی عشری، ۱۳۸۳: ۶)، بیگانگی ناشی
از کامپیوتر (زکی، ۱۳۸۲: ۹۵) و آنومی (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی) (مرجائی، ۱۳۸۲:
۱۸) صورت گرفته است.

ابراهیمی (۱۳۶۹) در تحقیقی تحت عنوان تبیین فرایند از خود بیگانگی جوانان با
استفاده از چارچوب کنش متقابل نمادی و مؤلفه‌های سیمن به تحلیل بیگانگی در بین
دانش‌آموزان دبیرستان‌های شیراز پرداخت. وی نتیجه گرفت که عواملی مانند سن و رده
تحصیلی با از خود بیگانگی رابطه مثبت و تعلق گروهی و تمایل به مطالعه، ورزش و رادیو
و تلویزیون با آن رابطه منفی دارند. یافته‌های تحقیق طالبی (۱۳۷۳) در زمینه بیگانگی
اجتماعی دانش‌آموزان شهر تهران نشان داد که بخشی از افراد جامعه به نظام اجتماعی
ایران تعلق خاطر نداشته و این به دلیل ضعف‌ها و مشکلاتی است که در نظام اجتماعی
ایران خصوصاً نهادهای فرهنگی وجود دارد. خواجه نوری (۱۳۷۶) بررسی عوامل
اجتماعی - اقتصادی مؤثر بر بیگانگی زنان را مورد توجه خود قرار داده که نشان‌دهنده
آن است که زنان نسبت به مردان بیگانه‌تر هستند. طی تحقیقی که مریم شاکرین
(۱۳۷۶) انجام داده، میزان از خود بیگانگی زنان و مردان را در سطح زیاد دانسته ولی
تفاوت اساسی بین از خود بیگانگی زنان و مردان وجود ندارد و تفاوتی در میزان الیناسیون
مجردها و متأهلان نیست. تفاوت معناداری در بیگانگی بین دانشجویان دو رشته ادبیات
فارسی و علوم اجتماعی وجود نداشته است. نهایت آنکه ارتباط معناداری منفی بین
الیناسیون و مشارکت اجتماعی دانشجویان وجود داشته است. محمدعلی زکی (۱۳۷۸)
دریافته که رابطه معناداری منفی بین احساس بیگانگی و میزان مشارکت اجتماعی
دانشجویان وجود داشته است. نتایج تحقیق معرفت الله بیگدلی (۱۳۷۹) ارتباط
معنی‌داری بین سن و از خود بیگانگی دانشجویان دانشگاه اصفهان نشان نداده و از سوئی
دیگر تفاوت معنی‌داری در احساس از خود بیگانگی بین دانشجویان مرد و زن وجود
نداشته است. نتایج پژوهش نویدیان و همکاران (۱۳۸۰: ۱۵) نشان داد که بین احساس
بیگانگی و خودپنداره رابطه معنی‌داری وجود دارد. به این نحو که افزایش احساس

بیگانگی با خود پنداره ضعیف همراه است. بر اساس نتایج تحقیق محسنی تبریزی (۱۳۸۱: ۱۱۹) مدل تبیینی تحلیل مسیر انزوای ارزشی، می‌توان استدلال کرد که این متغیر متأثر از عوامل مختلفی است که در شبکه‌ای از روابط علی با یکدیگر و به صورت مرکب و مجموع قرار دارند و کل تغییرات آن را مجموع متغیرهای علت بیان می‌کند. در این الگو متغیرهای مطلوبیت شرایط خانوادگی، مطلوبیت شرایط آموزشی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، رضایت از زندگی، احساس ستیز با والدین و ضدیت با جامعه هم به طور مستقیم و هم به طور غیرمستقیم بر انزوای ارزشی اثر گذاشته‌اند. همچنین انزوای ارزشی بازتابی از تأثیرات متقابل متغیرهای علت و منتج از مجموعه از خورده‌های این عوامل است. پژوهش محسنی تبریزی (۱۳۸۲: ۱۳۵) نشان می‌دهد که دو گروه از بیگانه‌های فعال و منفعل از حیث میزان بیگانگی سیاسی و اجتماعی، تفاوت معنی‌داری از لحاظ آماری ندارد، با این حال بر حسب گروه جنسی، پایگاه اجتماعی-اقتصادی محل سکونت، ارتباط با وسایل ارتباط جمعی و جستجوی اطلاعات از طریق رسانه‌ها، معدل تحصیلی اندازه گروه، ایدئوژنی سیاسی، ساختار خانواده، احساس خود اثر بخشی، نیاز به موفقیت، احساس از خود بیگانگی، اصلاح طلبی، تمایل به شورش و طغیان، درجه خوش بینی، میزان بدبینی، دیگرخواهی، خودخواهی، انزوای ارزشی، دین مناسکی، تمایلات روشنفکرانه، احساس گرایی، نوع دوستی، اخلاق گرایی و میل به مشارکت و فعالیت در فراشدهای سیاسی و اجتماعی، تفاوت معنی‌داری میان آنان وجود دارد. در تحقیق فاطمه وحید و ساهره قاسمی (۱۳۸۳) بیگانگی اجتماعی دانشجویان را در هر دو دانشگاه پیام نور و آزاد اسلامی شهرضا در حد کم و خیلی کم گزارش کرده‌اند و جنسیت و محل تحصیل در میزان الیناسیون اجتماعی افراد نقشی ایفا نمی‌کرده و هم چنین میزان از خود بیگانگی زنان و مردان را در حد کم دانسته‌اند. حسنی (۱۳۸۳: ۱۴۵) در پژوهشی به بررسی رابطه بیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی پرداخته است. در پژوهش غفاری و تاج‌الدین (۱۳۸۴: ۴) بیگانگی اجتماعی یکی از مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی تلقی شده و چهارمؤلفه بیگانگی اجتماعی، احساس شهروندی، تعامل اجتماعی و رضایت از زندگی با یکدیگر دارای تجانس و سازگاری درونی بوده که در مجموع سازنده سازه محرومیت اجتماعی هستند. نتایج

_____ بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۳۷

تحقیق محمدعلی زکی (۱۳۸۵) بازگوکننده آن است که روابط معناداری بین بیگانگی با انگیزش پیشرفت و موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان وجود نداشته ولیکن ارتباط معناداری بین بیگانگی و عزت نفس دانش‌آموزان نشان داده شده است. نتایج پژوهش قدیمی (۱۳۸۶): ۳۳۰ نشان می‌دهد که از نظر دانشجویان بین برخی از مؤلفه‌های اثرگذار بر اعتماد اجتماعی به‌ویژه (مشارکت اجتماعی، همبستگی اجتماعی، انومی اجتماعی، بیگانگی اجتماعی، امیدواری اجتماعی، گرایش به ریسک اجتماعی، امنیت اجتماعی، حمایت از نظم اجتماعی موجود، تعهد اجتماعی) و اعتماد اجتماعی رابطه شدید وجود دارد. انومی اجتماعی و بیگانگی اجتماعی به مثابه دو شاخصه سرمایه اجتماعی محسوب شده‌اند که روابط معناداری با اعتماد اجتماعی داشته‌اند. مظاهری (۱۳۸۷) تحقیقی در زمینه اخلاق کار بر اساس مدل چهاروجهی پتی (۱۹۹۰) در بین کارکنان سازمان‌های دولتی انجام داده و نتایج پژوهش معرف آن است که بیگانگی از کار در بین کارکنان روابط معناداری منفی با متغیرهای چهارگانه رضایت شغلی، تعهد سازمانی، اخلاق کار و انگیزش شغلی داشته‌اند.

چارچوب روش تحقیق

جامعه آماری کلیه جوانان (مورد افراد مشغول به تحصیل در دانشگاه اصفهان) بوده‌اند. از آنجا که حداقل حجم نمونه در تحقیقات پیمایشی ۱۰۰ نفر است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۷: ۱۳۰) و از سوئی با اطمینان بتوان در خصوص یافته‌ها تحلیل نمود، لذا حجم نمونه ۳۰۰ نفر در نظر بوده است. علاوه بر آنکه بر اساس محاسبات فرمول کوکران جامعه آماری از مرز ۲۰۰۰ و بیشتر دارای حجم نمونه بیش از ۳۰۰ نفر محاسبه می‌شود. روش نمونه‌گیری به‌صورت مرحله‌ای در نظر است: در مرحله اول توجه به نمونه‌گیری طبقه‌ای است که بر آن اساس حجم نمونه به‌صورت درصد یکسانی بین دانشجویان پسر و دختر (هرکدام ۵۰ درصد) لحاظ شده است. در مرحله دوم نمونه‌گیری خوشه‌ای در نظر است که از بین دانشکده‌های مختلف دانشگاه اصفهان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی به‌صورت تصادفی انتخاب شد. در مرحله سوم آزمودنی از بین دختران و پسران کلاس‌های درس دانشکده مورد نظر به‌صورت تصادفی ساده انتخاب گردید.

روش تحقیق حاضر، پیمایشی و روش جمع‌آوری اطلاعات ابزار بیگانگی مدی و همکاران (۱۹۷۹) خواهد بود. پایایی ابزار با روش آلفا کرونباخ و میزان همبستگی دورنی مقیاس با ۳۰۰ آزمودنی و ۶۰ گویه، ۰/۹۲۷ گزارش شده است. داده‌های پژوهش پس از جمع‌آوری، با استفاده از برنامه Spss. 11 در محیط Window کدبندی، استخراج و طبقه‌بندی گردید. انواع تجزیه و تحلیل‌های تحقیق شامل تحلیل توصیفی (یک متغیره و دومتغیره) و تحلیل استنباطی (شامل روش‌های آماری آماره آزمون t، تحلیل همبستگی ضریب همبستگی I پیرسون و تحلیل عاملی Factor Analysis) خواهد بود.

یافته‌های تحقیق

تحلیل توصیفی

تحلیل یک متغیره

داده‌های پژوهش بازگوکننده آن است که آزمودنی‌ها دارای متوسط ۲۱/۴۱ سال بوده‌اند. حداکثر و حداقل سن دانشجویان ۳۵ و ۱۸ سال گزارش شده است. با توجه به پاره موضوعات پنجگانه بیگانگی، یافته‌های تحقیق معرف آن است که میانگین و انحراف معیار بیگانگی از کار ۳۰/۱ و ۱۰/۴۸ بوده و میانگین و انحراف معیار بیگانگی از خود ۳۲/۳ و ۹/۹۷ می‌باشد. بیگانگی از نهادهای اجتماعی دارای میانگین ۴۰/۳۳ و انحراف معیار ۱۳/۴ بوده و بیگانگی از روابط اجتماعی دارای میانگین ۳۶/۵۸ و انحراف معیار ۱۲/۲ است و بیگانگی از خانواده دارای میانگین و انحراف معیار ۳۴/۱ و ۱۰/۰۸ است. داده‌های پژوهش با توجه به اشکال چهارگانه بیگانگی بازگوکننده آن است که میانگین احساس بی‌قدرتی، احساس بی‌ریشه‌گی، احساس پوچ‌گرائی و احساس بی‌مخاطرگی به ترتیب ۴۱/۲۷، ۴۰/۱، ۴۵/۹، ۴۶/۰۸ محاسبه شده است. در مجموع کل مقیاس احساس بیگانگی دارای میانگین ۱۷۳/۴۳ و انحراف معیار ۴۵/۴۳ می‌باشد (جدول شماره ۲). نودار شماره ۱ معرف آن است که نمرات کل بیگانگی دانشجویان دارای توزیع نرمال بوده است. مقدار شاخص آماره آزمون کولموگروف اسمیرونوف ۰/۵۳۱ محاسبه شده و از آنجائی که دارای سطح معناداری ۰/۹۴۱ است، بنابراین نمرات داده‌های تحقیق نرمال می‌باشد.

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۳۹

جدول شماره ۲. آماره‌های توصیفی موضوعات و اشکال وکل بیگانگی

پاره مقیاسها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	حداکثر	حداقل
بیگانگی از کار	۳۰۰	۳۰/۱۰۳	۱۰/۴۸	۶۲	۱۲
بیگانگی از خود	۳۰۰	۳۲/۳۰	۹/۹۷	۶۷	۱۲
بیگانگی از نهادهای اجتماعی	۳۰۰	۴۰/۳۳	۱۳/۴۴	۷۶	۱۲
بیگانگی از روابط اجتماعی	۳۰۰	۳۶/۵۸	۱۲/۲۰	۷۳	۱۲
بیگانگی از خانواده	۳۰۰	۳۴/۱۰	۱۰/۰۸	۶۸	۱۲
احساس بی‌قدرتی	۳۰۰	۴۱/۲۷	۱۱/۹	۸۲	۱۵
احساس بی‌ریشه‌گی	۳۰۰	۴۰/۱	۱۲/۹۳	۸۴	۱۵
احساس پوچ‌گرایی	۳۰۰	۴۵/۹۷	۱۳/۸۵	۸۴	۱۵
احساس بی‌مخاطرگی	۳۰۰	۴۶/۰۸	۱۲/۱۵	۷۸	۱۵
کل بیگانگی	۳۰۰	۱۷۳/۴۳	۴۵/۴۳	۳۱۰	۶۰

نتایج تحقیق معرف آن است که بیشترین دانشجویان از میزان نسبتاً کم بیگانگی برخوردارند (۴۰ درصد) و در مرتبه دوم اهمیت، ۳۱ درصد آزمودنی‌ها میزان کم بیگانگی را گزارش داده‌اند. برحسب جنس، مشخص می‌شود که بیشترین دانشجویان پسر و هم‌چنین دختر نیز از میزان نسبتاً کم بیگانگی برخوردار می‌باشند (به ترتیب ۴۱ درصد و ۳۹ درصد) (جدول شماره ۳).

جدول شماره ۳. توزیع فراوانی مطلق و نسبی سطوح بیگانگی جوانان به تفکیک جنس

متغیرهای تحقیق	پسران		دختران		جمع	
	تعداد	درصد	تعداد	درصد	تعداد	درصد
خیلی کم	۱۹	۱۳	۸	۵	۲۷	۹
کم	۳۳	۲۲	۵۹	۳۹	۹۲	۳۱
نسبتاً کم	۶۱	۴۱	۵۹	۳۹	۱۲۰	۴۰
متوسط	۳۴	۲۳	۲۱	۱۴	۵۵	۱۸
نسبتاً زیاد	۳	۲	۳	۲	۶	۲
زیاد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
خیلی زیاد	۰	۰	۰	۰	۰	۰
جمع	۱۵۰	۱۰۰	۱۵۰	۱۰۰	۳۰۰	۱۰۰

تحلیل دوبعدی مدل نظری بیگانگی مدی و همکاران

جامعیت مدل نظری بیگانگی مدی و همکاران (۱۹۷۹) مربوط به آن است که در مدل مذکور به طور همزمان قادر به سنجش و اندازه گیری دوجنبه جداگانه موضوعات پنجگانه بیگانگی وهم چنین اشکال چهارگانه بیگانگی است. تحلیل دومتغیره مدل مدی در دویبخش مجزا قابل ارائه است:

الف) تحلیل سطری: گرایش تحقیق در تحلیل سطری (افقی) مربوط به این سؤال است که بیشترین و کمترین احساس بی قدرتی مربوط به کدامیک از موضوعات پنجگانه بیگانگی است. به تعداد اشکال چهارگانه بیگانگی سؤالات مذکور پیشروی تحقیق می باشد. یافته ها نشان دهنده آن است که بیشترین احساس بی قدرتی اختصاص به موضوع بیگانگی از نهادهای اجتماعی (۱۱/۳) داشته است. بیشترین احساس بی ریشه گی، پوچ گرائی و بی مخاطرگی اختصاص به موضوعات بیگانگی از نهادهای اجتماعی (۸/۸)، بیگانگی از روابط اجتماعی (۱۰/۳) و بیگانگی از نهادهای اجتماعی (۱۰/۱۹) داشته اند.

ب) تحلیل ستونی: گرایش تحقیق در تحلیل ستونی (عمودی) مربوط به این سؤال است که بیشترین و کمترین احساس بیگانگی از کار مربوط به کدامیک از اشکال چهارگانه بیگانگی است. به تعداد موضوعات پنجگانه بیگانگی سؤالات مذکور پیشروی پژوهش است. داده های پژوهش بازگوکننده آن است که بیشترین احساس بیگانگی از کار مربوط به پوچ گرائی (۷/۵) است. بیشترین احساس بیگانگی از خود، نهادهای اجتماعی، روابط اجتماعی و خانواده اختصاص به اشکال پوچ گرائی (۹/۴)، بی قدرتی (۱۱/۳)، پوچ گرائی (۱۰/۳) و بی قدرتی (۹/۴) داشته اند (جدول شماره ۴).

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۴۱

جدول ۴. شاخص‌های آمار توصیفی بیگانگی بر حسب اشکال و به تفکیک موضوعات بیگانگی

بیگانگی از خانواده	بیگانگی از روابط اجتماعی		بیگانگی از نهادهای اجتماعی		بیگانگی از خود		بیگانگی از کار		پاره مقیاس‌ها	
	S	X	S	X	S	X	S	X		
۳/۷۸	۹/۴۶	۳/۶	۷/۷۵	۴/۱۲	۱/۳	۳/۱۷	۶/۵	۲/۶۹	۱/۶	احساس بی‌قدرتی
۳/۱۰۱	۸/۷	۴/۱۸	۸/۷	۴/۱۴	۷/۷۸	۳/۴۵	۷/۵۱	۳/۲۶	۷/۱۹	احساس بی‌ریشه‌گی
۳/۴۹	۷/۱۰	۴/۰۷	۷/۳۰	۴/۶۸	۹/۹	۲/۱	۹/۴	۷/۰۸	۹/۲۶	احساس بوج‌گرایی
۳/۶	۹/۴۲	۳/۵۶	۱۰/۱۴	۳/۷۷	۱۰/۹۱	۳/۵۴	۸/۷	۳/۶۸	۷/۵۲	احساس بی‌مخاطرگی

مقایسه اشکال و موضوعات بیگانگی بر حسب جنس

در خصوص آزمون معنادار بودن موضوع تحقیق میان دو گروه جنسی (پسران و دختران)، از آماره آزمون t استفاده می‌شود. داده‌های تحقیق گویای آن است که تفاوت معناداری در خصوص پاره مقیاس‌های چهارگانه اشکال بیگانگی بین دختران (۱۵۰ آزمودنی) و پسران (۱۵۰ آزمودنی) وجود دارد (جدول شماره ۵). از سوی دیگر تفاوت معناداری در موضوعات سه‌گانه بیگانگی از خود، نهادهای اجتماعی و روابط اجتماعی بین دختران و پسران وجود نداشته است ولیکن تفاوت معناداری در بیگانگی از کار و خانواده بین آزمودنی‌های دختر و پسر گزارش شده است (جدول شماره ۶).

جدول شماره ۵. نتایج آزمون تفاوت اشکال چهارگانه بیگانگی برحسب جنس

آماره آزمون T		دختران		پسران		اشکال بیگانگی
اعتبار آماره	مقدار آماره	S	X	S	X	
۰/۱۲۱	۱/۵۵۴	۱۱/۳	۴۰/۲۰	۱۲/۴۳	۴۲/۳۴	احساس بی قدرتی
۰/۱۳۶	۱/۴۹۴	۱۲/۳	۳۸/۹۸	۱۳/۴۷	۴۱/۲۱	احساس بی ریشه‌گی
۰/۲۸۹	۱/۰۶۳	۱۲/۷۸	۴۵/۱۲	۱۴/۸۴	۴۶/۸۲	احساس پوچ‌گرایی
۰/۹۷	۰/۰۳۸	۱۱/۲۷	۴۶/۱۰	۱۳	۴۶/۰۵	احساس بی مخاطرگی

جدول شماره ۶. نتایج آزمون تفاوت موضوعات پنجگانه بیگانگی برحسب جنس

آماره آزمون T		دختران		پسران		موضوعات بیگانگی
اعتبار آماره	مقدار آماره	S	X	S	X	
۰/۰۲۳	۲/۲۹۱	۹/۱۶	۲۸/۷۲	۱۱/۵۲	۳۱/۴۸	بیگانگی از کار
۰/۹۵۴	۰/۰۵۸	۱۰/۰۵	۳۲/۲۶	۹/۹۳	۳۲/۳۳	بیگانگی از خود
۰/۸۵۱	۰/۱۸۹	۱۲/۳۰	۴۰/۴۸	۱۴/۵۴	۴۰/۱۸	بیگانگی از نهادهای اجتماعی
۰/۸۵	۰/۱۸۹	۱۱/۶۷	۳۶/۴۵	۱۲/۷۵	۳۶/۷۲	بیگانگی از روابط اجتماعی
۰/۰۰۶	۲/۷۹	۱۰/۰۲	۳۲/۵۰	۹/۹۲	۳۵/۷۱	بیگانگی از خانواده
۰/۲۵۳	۱/۱۴۵	۴۲/۷۱	۱۷۰/۴۲	۴۷/۹۶	۱۷۶/۴۳	کل بیگانگی

تحلیل همبستگی

درخصوص بررسی رابطه معناداری میان متغیرهای تحقیق از ضریب همبستگی r پیرسون استفاده می‌شود داده‌ها معرف آن است که: الف) روابط معناداری بین هر کدام از اشکال چهارگانه بیگانگی به طور جداگانه و هر کدام از پاره مقیاس‌های موضوعات پنجگانه بیگانگی (بیگانگی از خانواده، خود، کار، روابط اجتماعی و نهادهای اجتماعی)

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۴۳

وجود دارد. علاوه بر آن روابط معناداری آماری بین موضوعات پنجگانه با کل بیگانگی وجود داشته است. داده‌های پژوهش در زمینه تحلیل همبستگی، بیانگر آن بود که بیشترین روابط معناداری موضوعات پنجگانه بیگانگی با کل بیگانگی جوانان، اختصاص به دو موضوع بیگانگی از روابط اجتماعی (۰/۸۴۴) و بیگانگی از نهادهای اجتماعی (۰/۸۳۴) دارد (جدول شماره ۷). ب) روابط معناداری میان بین هر کدام از پاره مقیاس‌های پنجگانه موضوعات بیگانگی با یکدیگر وجود دارد و سطح معناداری تمامی آنها کوچکتر از ۵ درصد محاسبه شده است. بیشترین میزان روابط بین بیگانگی از روابط اجتماعی با بیگانگی از نهادهای اجتماعی ($r = 0/657$) و بیگانگی از کار و بیگانگی از خود ($r = 0/654$) می‌باشد. ج) روابط معناداری میان بین هر کدام از پاره مقیاس‌های چهارگانه اشکال بیگانگی با یکدیگر وجود داشته و سطح معناداری تمامی آنها کوچکتر از ۵ درصد محاسبه شده است. بیشترین میزان روابط بین احساس بی‌قدرتی با احساس بی‌ریشه‌گی ($r = 0/808$) و احساس بی‌ریشه‌گی و پوچ‌گرایی ($r = 0/807$) است. علاوه بر آن روابط معناداری آماری بین هر کدام از اشکال چهارگانه با کل بیگانگی وجود داشته است. داده‌های پژوهش بیانگر آن بود که بیشترین روابط معناداری اشکال (فرم‌های) بیگانگی با کل بیگانگی جوانان، مربوط به دو فرم (شکل) احساس پوچ‌گرایی (۰/۹۲۴) و بی‌ریشه‌گی (۰/۹۱) است (جدول شماره ۸).

جدول شماره ۷. ماتریس همبستگی بین موضوعات و اشکال و کل بیگانگی

بیگانگی از خانواده	بیگانگی از روابط اجتماعی	بیگانگی از نهادهای اجتماعی	بیگانگی از خود	بیگانگی از کار	کل بیگانگی
۰/۷۵۸ P=۰/۰۰۰	۰/۸۴۴ P=۰/۰۰۰	۰/۸۳۴ P=۰/۰۰۰	۰/۸۰۳ P=۰/۰۰۰	۰/۷۸۷ P=۰/۰۰۰	

جدول شماره ۸. ماتریس همبستگی بین موضوعات و اشکال وکل بیگانگی

احساس بی‌قدرتی	احساس بی‌ریشه‌گی	احساس پوچ‌گرایی	احساس بی‌مخاطره‌گی	
۰/۹۰۸ P=۰/۰۰۰	۰/۹۱ P=۰/۰۰۰	۰/۹۲۴ P=۰/۰۰۰	۰/۸۲۶ P=۰/۰۰۰	کل بیگانگی

تحلیل پایائی

پایائی ابزار موردنظر در پژوهش حاضر با توجه به آماره آلفا کرونباخ و ۳۰۰ آزمودنی و ۶۰ گویه، ۰/۹۲۷ به دست آمده است. ضرایب پایائی محاسبه شده به تفکیک جنس (بین دانشجویان پسر و دختر) به ترتیب ۰/۹۳۱ و ۰/۹۲۲ محاسبه شده و هم‌چنین برحسب وضع تأهل (مجردان و متأهلان) به ترتیب ۰/۹۳۱ و ۰/۸۷۱ گزارش شده که بازگوکننده پایائی ابزار تحقیق می‌باشد (جدول شماره ۹). پایائی ابزار تحقیق به تفکیک موضوعات پنجگانه بیگانگی و هم‌چنین اشکال چهارگانه بیگانگی به طور مجزا و جداگانه در جدول شماره ۱۰ و ۱۱ گزارش می‌شود.

جدول شماره ۹. نتایج پایائی ابزار تحقیق برحسب جنس و تأهل وکل جوانان

پسران	دختران	مجردان	متأهلان	کل
۱۵۰ نفر	۱۵۰ نفر	۲۶۷ نفر	۳۳ نفر	۳۰۰ نفر
۰/۹۳۱۵	۰/۹۲۲۱	۰/۹۳۱	۰/۸۷۱	۰/۹۲۷

جدول شماره ۱۰. نتایج پایائی ابزار تحقیق برحسب موضوعات بیگانگی جوانان

بیگانگی از نهادهای اجتماعی	بیگانگی از روابط اجتماعی	بیگانگی از خانواده	بیگانگی از کار	بیگانگی از خود
۰/۸۲۶	۰/۸۱۱	۰/۷۰۵	۰/۷۸۳	۰/۷۲۷

جدول شماره ۱۱. نتایج پایانی ابزار تحقیق بر حسب اشکال (فرمهای) بیگانگی جوانان

احساس بی قدرتی	احساس بی ریشه‌گی	احساس پوچ‌گرایی	احساس بی‌مخاطرگی
۰/۷۵۵	۰/۷۸۸	۰/۷۹۴	۰/۷۳۵

تحلیل روائی سازه ابزار تحقیق (تحلیل عاملی)

داده‌های تحقیق معرف آن است که مدل تحلیل عاملی ابزار چهل گویه‌ای از نظر آماری معنادار است چرا که شاخص آماری KMO به میزان ۰/۸۶۲ محاسبه شده است و علاوه بر آن شاخص آزمون کرویت دارای سطح معناداری (Sig=۰/۰۰۰) می‌باشد لذا مدل تحلیل عاملی مطلوبی است. روش قابل استفاده در تحلیل عاملی، روش عامل‌های اصلی می‌باشد و جهت انتخاب گویه‌ها از مرز ۰/۳۰ برای محاسبه بار عاملی استفاده شده است (کلاین، ۱۳۸۰ و کیم و مولر، ۱۳۷۸). آماره‌های اولیه برای تحلیل عاملی، مقدار ویژه و درصد واریانس هر کدام از عوامل تقلیل یافته محاسبه شده است (جدول شماره ۱۲). در مرحله بعد، به تحلیل عامل پس از دوران و چرخش واریماکس اقدام گردید که یافته‌ها معرف آن است که ۶۰ گویه مقیاس در چهار عامل قابل تقلیل هستند عامل اول دارای مقدار ویژه ۵/۸۰۴ است و ۹/۶۷ درصد تغییرات ۱۷ گویه را تبیین می‌نماید. عوامل دوم، سوم و چهارم هر کدام به ترتیب در بردارنده مقادیر ویژه ۵/۷۳، ۴/۶۶ و ۳/۴۵ بوده و به ترتیب ۹/۵۵، ۷/۷۷ و ۵/۷۶ درصد تغییرات ۴۳ گویه را تبیین می‌کنند. جدول شماره ۱۲. شاخص‌های آماری تحلیل عاملی به تفکیک هر عامل

عامل	نتایج ابتدائی		پس از چرخش	
	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده	مقدار ویژه	درصد واریانس تبیین شده
عامل اول	۱۲/۳۸۷	۲۰/۶۵۴	۵/۸۰۴	۹/۶۷۴
عامل دوم	۲/۶۶۱	۴/۴۳۵	۵/۷۳۶	۹/۵۵۹
عامل سوم	۲/۵۶۴	۴/۲۷۳	۴/۶۶۷	۷/۷۷۸
عامل چهارم	۲/۰۵۳	۳/۴۲۱	۳/۴۵۸	۵/۷۶۳

نتیجه‌گیری

بیگانگی یکی از موضوعات مهم و اساسی در تحلیل‌های جامعه‌شناسی برای تبیین رفتار آدمی در حوزه‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اقتصادی تلقی می‌شود که بخش غیرقابل انکاری از زندگی افراد به طور عام و جوانان در ایران را دربرمی‌گیرد. اندیشمندان اجتماعی و رفتاری از ابعاد گوناگون به تبیین بیگانگی توجه داشته‌اند. در بین جامعه‌شناسان رویکرد نظم اجتماعی با کلید واژه آنومی و رویکرد انتقاد اجتماعی با کلید واژه بیگانگی به بررسی آن پرداخته‌اند (آسودو، ۲۰۰۵). بررسی بیگانگی یکی از موضوعات شائع در کشورهای مختلف برای نمونه آمریکا می‌باشد (ویکلاین و همکاران، ۲۰۰۷).

یکی از گرایش‌های پژوهشی، اختصاص به سنجش و اندازه‌گیری بیگانگی دارد. ابزارهای معتبر گوناگونی از سوی اندیشمندان مورد بررسی و آزمون قرار گرفته شده است ولیکن با توجه به جامعیتی که در ابزار مدی و همکاران (۱۹۷۹) وجود داشته است، تحقیق حاضر به آزمون ابزار مذکور در بین جوانان (مورد دانشجویان دانشگاه اصفهان) داشته است.

نتایج نهائی تحقیق بازگوکننده آن بوده که ابزار بیگانگی مدی و همکاران از پایائی و روائی مقبول و مطلوبی برخوردار بوده است. پایائی ابزار ۰/۹۲۷ بوده است که معرف معنادار بودن پایائی ابزار است. علاوه بر آن ضرایب پایائی محاسبه شده به تفکیک جنس (بین جوانان پسرودختر) و همچنین برحسب وضع تأهل (مجردان و متأهلان)، به تفکیک موضوعات پنجگانه بیگانگی و هم‌چنین اشکال چهارگانه بیگانگی بازگوکننده پایائی ابزار تحقیق است. یافته‌های مذکور در جهت تحقیقات پیشین (برای نمونه مدی و همکاران، ۱۹۷۹ و نیکول، ۲۰۰۷) گزارش می‌شود.

نتایج پژوهش در خصوص تحلیل توصیفی بیانگر آن است که بیشترین جوانان در مرتبه اول اهمیت، میزان نسبتاً کم بیگانگی را ارزیابی نموده‌اند و در مرتبه دوم، ۳۰ درصد آنها از میزان کم بیگانگی برخوردارند (جدول شماره ۱۳).

بیگانگی اجتماعی جوانان (مطالعه موردی: دانشجویان دختر و پسر دانشگاه اصفهان) / ۴۷

جدول شماره ۱۳. توزیع نسبی سطوح یگانگی جوانان

خیلی زیاد	زیاد	نسبتاً زیاد	متوسط	نسبتاً کم	کم	خیلی کم
۰	۰	۲	۱۸	۴۰	۳۰	۹

یافته‌های پژوهش در خصوص تحلیل نظری مدل مدی و همکارن بازگوکننده آن است که بیشترین میزان بیگانگی جوانان در مراتب اول و دوم اختصاص به بیگانگی جوانان نسبت به نهادهای اجتماعی (۴۰/۳۳) و روابط اجتماعی (۳۶/۵۸) هستند که دو موضوع فوق در سطح کلان ساختار اجتماعی قرار داشته است (جدول شماره ۱۴). علاوه بر آن بیشترین نمره بیگانگی جوانان در مراتب اول و دوم، اختصاص به اشکال بی‌مخاطرگی (۴۶/۰۸) و پوچ‌گرایی (۴۵/۹۷) داشته است (جدول شماره ۱۵).
جدول شماره ۱۴. نتایج نهائی موضوعات بیگانگی جوانان (براساس میانگین نمره)

سطح کلان	سطح میان	سطح خرد
بیگانگی از نهادهای اجتماعی	بیگانگی از خانواده	بیگانگی از خود
۴۰/۳۳	۳۴/۱۰	۳۲/۳
بیگانگی از روابط اجتماعی	بیگانگی از کار	بیگانگی از خود
۳۶/۵۸	۳۰/۱۰	۳۲/۳

جدول شماره ۱۵. نتایج نهائی اشکال (فرمهای) بیگانگی جوانان (براساس میانگین نمره)

احساس بی‌قدرتی	احساس بی‌ریشه‌گی	احساس پوچ‌گرایی	احساس بی‌مخاطرگی
۴۱/۲۷	۴۰/۱۰	۴۵/۹۷	۴۶/۰۸

در خصوص تحقیقات آینده پیشنهادهایی را می‌توان فهرست نمود: آزمون تأثیر عوامل اجتماعی، روانی در بیگانگی، آزمون و اعتباریابی مقیاس بیگانگی بین گروه‌های شغلی مختلف (معلمان و مدیران)، بررسی مقایسه‌ای بین کارکنان سازمان‌های مختلف

(آموزشی و صنعتی)، بررسی بیگانگی برحسب حوزه‌های اجتماعی (شهری و روستائی)، مطالعه آن با توجه به گروه‌های سنی مختلف (بزرگسالان و کهنسالان) و بین طبقات متفاوت (بالا، متوسط و پائین) اجتماعی، بررسی مطالعات میان فرهنگی بیگانگی براساس ویژگی‌های قومی قبیل‌های، تبیین و تعیین بیگانگی درخصوص گروه‌های خاص اجتماعی (بیماران، بیکاران، دختران فراری، مبتلایان به بیماری ایدز و غیره)، بررسی و آزمون تأثیر بیگانگی در ابعاد گوناگون اجتماعی و فردی، بررسی همبستگی عوامل و متغیرهای مختلف شخصیتی و اجتماعی با بیگانگی.

منابع

- ادیبی سده، مهدی و اصغر موذنی (۱۳۸۳) بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی از کار در بین کارکنان گمرک بندر انزلی در سال ۱۳۸۲. مجله دانشکده علوم انسانی. شماره: ۷، بهار و تابستان ۱۳۸۳، صفحات ۶۶-۳۵.
- ایمان، محمدتقی و فریده ائتی عشری (۱۳۸۳) بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سازمانی در ایران، مطالعه موردی: سازمانهای اداری شهر شیراز، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان، جلد هفدهم، شماره ۲، صفحات ۳۰-۱.
- ایمان، محمدتقی و حسین قاندى (۱۳۸۳) بررسی عوامل مؤثر بر بیگانگی سیاسی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه شیراز)، مجله علوم اجتماعی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد، تابستان، صفحات ۱۰۴-۷۹.
- توسلی غلام عباس، قدیمی مهدی (۱۳۸۰) پدیده بیگانگی از کار در ساختار نظام اداری ایران، پژوهشنامه علوم انسانی، ویژه نامه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، شماره ۳۰، تابستان، صفحات ۱۱۵-۸۷.
- حسنی، قاسم (۱۳۸۳) بررسی رابطه بیگانگی سیاسی - اجتماعی با مشارکت سیاسی - اجتماعی و امنیت ملی. فصلنامه علوم اجتماعی. شماره: ۲۶، تابستان ۱۳۸۳، صفحات ۱۷۹-۱۴۱.
- رجب زاده، احمد و مسعود کوثری (۱۳۸۲) آنومی سیاسی در ایران: با تکیه بر نظر شهروندان تهرانی، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، شماره ۲۱، مهر ماه، صفحات ۳۴۸-۳۱۹.
- زکی، محمدعلی (۱۳۷۸) بررسی رابطه میان مشارکت اجتماعی والیناسیون و عوامل مؤثر بر آنها، مقاله ارائه شده در همایش دانشجویی بررسی مسائل جامعه ما، معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه علامه طباطبائی.
- زکی. محمدعلی (۱۳۸۲) آزمون و سنجش مقیاس نگرشها و کارکردهای اجتماعی کامپیوتر. مجموعه مقالات ارائه شده سمینار بین‌المللی فناوری اطلاعات و دانش. دانشگاه امیرکبیر. دی ماه.
- زکی، محمدعلی (۱۳۸۵) بررسی تأثیر عوامل اجتماعی، عزت نفس، بیگانگی، انگیزش پیشرفت بر موفقیت دانش‌آموزان شهر اصفهان، گزارش منشر نشده.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۷۰) بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، دوره جدید، جلد ۲، شماره ۲ (زمستان)، صص ۷۲-۵۲.
- محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۸۱) آسیب شناسی بیگانگی اجتماعی - فرهنگی، بررسی انزوای ارزشی در دانشگاه‌های دولتی تهران / نویسنده: علیرضا محسنی تبریزی. فصلنامه پژوهش

و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، فصلنامه. دوره: شماره: ۲۶، زمستان ۱۳۸۱، صفحات ۱۸۲-۱۱۹.

محسنی تبریزی علیرضا (۱۳۸۲) بیگانگی فعال و بیگانگی منفعل: مطالعه موردی دانشجویان ایرانی، نامه علوم اجتماعی، دانشگاه تهران، بهمن ماه، شماره پیاپی ۲۲، صفحات ۱۴۶-۱۳۱.

مرجانی، هادی (۱۳۸۲) سنجش و بررسی احساس انومی در میان جوانان. فصلنامه مطالعات جوانان، سال اول شماره ۵، صفحات ۶۰-۴.

مظاهری، محمدحسین (۱۳۸۷) بررسی اخلاق کار: عوامل اجتماعی مؤثر بر آن و اثرات سازمانی و شغلی آن در بین کارکنان سازمانهای دولتی در شهر نجف‌آباد، رساله پایان‌نامه جامعه‌شناسی مقطع کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر محمدعلی زکی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهقان.

کلدی علیرضا، صفی‌پور جلال (۱۳۸۱) تحلیل جامعه‌شناسی از خود بیگانگی در میان دانشجویان مطالعه‌ای در تهران، پژوهشنامه علوم انسانی، ویژه‌نامه جامعه‌شناسی، دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۳۵، بهار، صفحات ۱۷۹-۱۴۹.

کلاین پل (۱۳۸۰) راهنمای آسان تحلیل عاملی، ترجمه سید جلال صدرالسادات و اصغر مینایی، تهران، انتشارات سمت.

کیم، جان آن و چارلز مولر (۱۳۷۸) کاربرد تحلیل عاملی در پژوهش اجتماعی. ترجمه مسعود کوثری، تهران، انتشارات سلمان.

قدیمی، مهدی (۱۳۸۶) بررسی میزان اعتماد اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در بین دانشجویان دانشگاه‌های زنجان، پژوهشنامه علوم انسانی، فصلنامه ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهیدبهبشتی، شماره ۵۳، بهار، صفحات ۳۵۰-۳۲۵.

غفاری، غلامرضا و محمدباقر تاج‌الدین (۱۳۸۴) شناسایی مؤلفه‌های محرومیت اجتماعی، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال چهارم، شماره ۱۷، تابستان، صفحات ۱۷-۱.

نویدیان علی، سالار علیرضا، گنج علی علیرضا (۱۳۸۰) بررسی رابطه احساس بیگانگی و خود پنداره در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی زاهدان در سال تحصیلی ۷۹-۷۸، فصلنامه طب و تزکیه، زمستان، شماره ۴۳، صفحات ۱۹-۱۰.

Acevedo. G. A (2005) Turning Anomie on its Head: Fatalism as Durkheim's Concealed and Multidimensional Alienation Theory. *Sociological Theory* 23(1): 75-85.

Bao, Y, K. Z. Zhou, and N. Zhou (2006) Social alienation in A transitional economy: Antecedents, and Impact on attitude toward social Reform, *Journal of Business Research*, V. 59: 990-

98.

- Gebhardt, W. A., M. P. van der Doof, and L. B. Paul (2001) the revised Health Hardiness Inventory. (RHHI-24): psychometric Properties and relationship with self-reported Health and Health behavior in two duth samples, *Health Education research: Theory and Practice*, V.16, N.5: 579-92.
- Judkins, S.L., Arris, and E. Keener (2005) Program Evaluation in Graduate Nursing Education: Hardiness as a Predictor of Success Among Nursing Administration Students. *Journal of Professional Nursing*. Volume 21, Issue 5: 314-321
- McCutcheon, L. E. (2000) the Desirability of control scale: still reliable and valid twenty years later. *Current Research in social Psychology*, V. 5. N. 15: 35-50.
- Maddi, S. R., S. C. Kobasa, and M. Hoover (1979) An Alienation Test. *Journal of Humanistic Psychology*, Vol.19, No.4, 73-76 (1979)
- Nicol, A.M. (2007) Social dominance orientation, right-wing authoritarianism, and their relation with alienation and spheres of control. *Personality and Individual Differences*. V. 43, N. 4: 891-899.
- Weakliem, D. L., and C. Borch (2007) Alienation in the United States: Uniform or Group-Specific Change? *Sociological Forum*, 21(3): 415-438.